

مجلس نمایندگان

ترجمه بخشی از فصل اول کتاب:

Beetham, D. Parliament and Democracy
in The Twenty-First Century, Inter-
Parliamentary Union, 2006

کد موضوعی: ۲۴۰

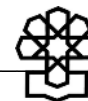
شماره مسلسل: ۱۲۴۳۰

تیرماه ۱۳۹۱

به نام خدا

فهرست مطالب

مقدمه	۱
یک پارلمان نماینده	۱
قوانین و رویه‌های انتخاباتی برای اطمینان از اینکه یک پارلمان واقعاً نماینده همه اقشار جامعه سیاسی است	۲
نظام‌های انتخاباتی	۴
چه کسی واقعاً رأی می‌دهد	۷
قوانین و رویه‌های انتخاباتی برای اطمینان از انعکاس تنوع اجتماعی جمعیت در پارلمان	۸
نمایندگی جوامع اقلیت و حاشیه‌ای	۸
نقش‌آفرینی مجلس دوم	۱۱
روندهای منصفانه و جامع پارلمانی	۱۱
جامعیت برای احزاب	۱۲
حقوق ویژه برای جناح مخالف یا احزاب و گروه‌های اقلیت	۱۴
فرصت‌های در نظر گرفته شده برای اعضای مستقل	۱۵
تساوی برای اعضای اقلیت‌ها و جوامع حاشیه‌ای	۱۶
ایجاد تسهیلات برای تمام اعضا در انجام فعالیت‌های پارلمانی	۱۷
حمایت از حقوق نمایندگان در انجام کامل تعهداتشان	۱۹
حقوق فردی اعضای پارلمان و انضباط حزبی	۲۱
منابع و مأخذ	۲۴



مجلس نمایندگان^۱

مقدمه

از جمله ویژگی‌های یک پارلمان به نماینده حقیقی بودن آن از سوی مردم کشور اشاره کرده‌اند. این مسئله بدان معناست که با توجه به اینکه پارلمان نماینده مردم کشور و نمادی از اراده عمومی یک کشور و تجلی خواسته‌های اقشار و احزاب مختلف به‌شمار می‌آید، باید ترکیبی متوازن از تمامی طیف‌های فکری و سیاسی کشور بوده و قدرت مالی یا سیاسی یک جناح یا تفکر مانع از بروز و ظهور سایر تفکرها و نگرش‌های سیاسی نگردد، البته این به معنای لزوم برابری قدرت این جناح‌ها در پارلمان نبوده، بلکه مقصود امکان بروز و ظهور افکار مختلف در پارلمان به‌منظور تضارب آرا و رسیدن به نتایج صحیح‌تر می‌باشد.

به‌منظور تضمین این موضوع که پارلمان، نماینده‌ای مناسب و واقعی از وضعیت کل کشور و نمایشگر تمامی احزاب و تفکرهای موجود در سطح جامعه باشد، راهکارها و معیارهایی در نظام‌های حقوقی رایج مطرح می‌گردد که آشنایی با آنها می‌تواند در تدوین نظام‌های انتخاباتی و فرآیندهای ناظر به آن مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است پذیرش برخی از راهکارها منوط به تناسب آن با نظام حقوق داخلی و همسو بودن آن با اهداف، مبانی و اولویت‌های نظام بوده و الزامی به تطابق نظام‌های حقوقی مختلفی که از مبانی و رویکردهای متفاوتی برخوردارند با یکدیگر نخواهد بود. در این گزارش پس از تبیین ویژگی‌های پارلمانی که از منظر اتحادیه بین‌المجالس دارای ویژگی «نماینده‌گی» است، به اهم راهکارهای استفاده شده توسط سایر نظام‌های حقوقی دنیا اشاره می‌شود.

یک پارلمان نماینده

اولین معیار پارلمان دمکراتیک این است که باید نماینده مردم باشد. این معیار بدین معناست که پارلمان باید اراده عمومی را منعکس کند به نحوی که گزینه‌هایی را که انتخاب‌کنندگان به آنها جایگاه نمایندگی خود را اعطا کرده‌اند و احزاب سیاسی که به نام آنها شکل گرفته‌اند، متجلی کنند.

۱. ترجمه بخشی از فصل اول کتاب:

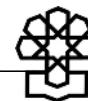
Beetham, D. Parliament and Democracy in The Twenty-First Century, Inter-Parliamentary Union, 2006.

پارلمانی که از این جهت نماینده واقعی مردم نباشد، خواه به دلیل نواقص مربوط به روندهای انتخاباتی یا مشکلات سیستم انتخاباتی، مشروعیت خود را از دست خواهد داد و از این رو قادر به انعکاس اراده عمومی در مورد بسیاری از مسائل روز نخواهد بود. یک پارلمان دمکراتیک همچنین باید به لحاظ جنسی، زبانی، مذهبی، قومیتی و دیگر خصوصیات سیاسی قابل توجه، «تنوع اجتماعی» را به خوبی منعکس کند. پارلمانی که در نشان دادن مؤلفه دومی که ذکر شد، دچار مشکل باشد، سبب می‌شود برخی از گروه‌ها و جوامع اجتماعی، در فرآیند سیاسی خود را منزوی یا به کل جدای از جامعه احساس کنند، که این پیامدهای [ناخوشایندی] را بر کیفیت زندگی عمومی و ثبات نظام سیاسی و به طور کلی جامعه، تحمیل خواهد کرد.

این هدف یک پارلمان دمکراتیک یعنی اینکه از همه جهات مذکور نماینده مردم بودن، تا حدی حاصل ترکیب پارلمان است که این به نوبه خود نتیجه روند انتخابات است؛ بخش دیگر آن نیز ناشی از رویه‌های پارلمانی عادلانه و فراگیر است، که به واسطه آنها همه نمایندگان مجلس برای بیان دیدگاه‌های خود و بهبود بخشیدن به فعالیت‌های پارلمانی خود فرصتی برابر خواهند داشت. در حالی که در نگاه اول به نظر می‌رسد ترکیب پارلمان نتیجه فرآیندهای پیش‌پارلمانی باشد، به هر حال پارلمان‌ها به طور غیرمستقیم می‌توانند بر ترکیب خود تأثیرگذار باشند؛ به این نحو که با استمداد از قدرت قانونگذاری خود می‌توانند مجموعه مقررات انتخابات را به خواست خود تنظیم کنند. همانطور که در مورد روش‌های عادلانه و فراگیر سخن به میان آمد، این موارد نیز به وضوح تحت کنترل مستقیم خود مجلس قرار دارد.

قوانین و رویه‌های انتخاباتی برای اطمینان از اینکه یک پارلمان واقعاً نماینده همه اقشار جامعه سیاسی است

سه ویژگی متفاوت روند انتخاباتی، به تحقق این هدف کمک می‌کند. اولین و اساسی‌ترین آنها عبارت است از: تضمین عادلانه بودن رویه‌های انتخاباتی؛ حصول اطمینان از اینکه هیچ‌یک از رأی‌دهندگان، نامزدها یا احزاب به صورت نظام‌مند به حاشیه رانده نشده یا محروم نمی‌شوند. استانداردها برگزاری «انتخابات آزاد و عادلانه» در حال حاضر به نحو شایانی بهبود بخشیده شده‌اند و همه موارد مربوط به این روند را، از ثبت نام رأی‌دهندگان و احزاب گرفته تا وجوه مختلف خود روند انتخابات تا روش‌های مختلف برای درخواست تجدیدنظر در نتایج، همه و همه را پوشش می‌دهند و تمام این روندها تحت نظارت یک کمیسیون مستقل انتخاباتی قرار می‌گیرد. اگرچه این استانداردها به صورت دقیق و ماهرانه تنظیم شده‌اند، ولی همه آنها به منظور مؤثر ساختن یک اصل بسیار ساده



فراهم آمده‌اند که در معاهده بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱ ثبت شده است (به جدول پایین رجوع کنید). در اینجا بیشتر از این به این موارد خواهیم پرداخت، اما این بدان معنا نیست که می‌توان آنها را بدیهی تلقی کرد. ذکر مواردی از کشورهایی که برخی از این استانداردها در آنها کاملاً نقض شده یا گاه به گاه اجرا شده‌اند، نشان می‌دهد که اگر خواهان صیانت از ویژگی نماینده بودن پارلمان‌ها هستیم، لازم است همواره در این باره هوشیار باشیم.

در عین حال نباید از این احتمال غافل باشیم که ممکن است یک پارلمان به دلیل محدودیت‌های بسیار در حق رأی و شرکت در انتخابات، ویژگی نماینده بودن خود را از دست داده است. در این زمینه، حکومت پادشاهی عمان در جریان آخرین انتخابات مجلس شورای خود در سال ۲۰۰۳، به همه افراد بالای ۲۱ سال اجازه داد در انتخابات شرکت کنند. برخی از کشورها حق رأی را برای شهروندان خود در خارج از کشور نیز به رسمیت شناخته‌اند؛ این توسعه حق رأی به‌ویژه برای کشورهایی که شمار زیادی از شهروندان آنها به‌عنوان کارگران مهاجر، ساکن خارج از کشور هستند، بسیار قابل توجه است. از این رو فیلیپین در سال ۲۰۰۳، ۷/۵ میلیون نفر و مکزیک در سال ۲۰۰۵، بیشتر از ۱۰ میلیون نفر را به‌شمار رأی‌دهندگان خود افزودند. برخی از کشورها نیز به‌تازگی با کاهش سن رأی به ۱۸ یا حتی ۱۶ سال، بر شمار رأی‌دهندگان خود افزوده‌اند.

در معاهده بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده (۲۵)^۲

هر شهروندی این حق و فرصت را خواهد داشت که:

۱. چه به‌صورت مستقیم و چه از طریق انتخاب آزاد نماینده در اداره امور عمومی مشارکت داشته باشد.
۲. در انتخابات دوره‌ای صحیح، که باید به‌صورت همگانی و با در نظر گرفتن حق رأی برابر و به‌صورت رأی مخفی انجام گیرند، شهروندان هم حق رأی دادن و هم حق انتخاب شدن را دارند و بیان آزاد خواسته‌های رأی‌دهندگان می‌بایست تضمین شود.
۳. برابری در استفاده از خدمات عمومی در کشور.

منابع مطالعاتی بیشتر (آنلاین) در مورد استانداردهای برگزاری یک انتخابات آزاد و منصفانه:

European Commission for Democracy Through Law (Venice Commission)

(2002). *Guidelines on elections*.

[http://www.venice.coe.int/docs/2002/CDL-AD\(2002\)013-e.asp](http://www.venice.coe.int/docs/2002/CDL-AD(2002)013-e.asp)

Goodwin-Gill, G. (2006). *Free and fair elections*. Inter-Parliamentary Union

<http://www.ipu.org/PDF/publications/Free&Fair06-e.pdf>

1. International Covenant on Civil and Political Rights

2. Source: International Covenant on Civil and Political Rights. Retrieved 20.07.2005 from United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights; http://www.unhcr.ch/html/menu3/b/a_ccpr.htm

Inter-Parliamentary Union (1994). *Declaration on Criteria for Free and Fair Elections*. <http://www.ipu.org/cnl-e/154-free.htm>

Nelson, S (2003). *Standards to judge elections*. Administration and Cost of Elections Project <http://www.aceproject.org/main/english/ei/eig04b.htm>

Organization for Security and Co-operation in Europe, Office for Democratic Institutions and Human Rights (2003). *Existing commitments for democratic elections in OSCE participating states*.
http://www.osce.org/documents/odihr/2003/10/772_en.pdf

Southern Africa Development Community (2004). *SADC principles and guidelines governing democratic elections*.
http://www.iss.co.za/AF/RegOrg/unity_to_union/pdfs/sadc/elecprinciples.pdf

Southern Africa Development Community Parliamentary Forum (2001). *Norms and standards for elections in the SADC region*. < Southern Africa Development Community Parliamentary Forum (2001). *Norms and standards for elections in the SADC region*.
<http://www.sadcpf.org/documents/SADCPF_ElectionNormsStandards.pdf>>

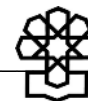
نظام‌های انتخاباتی

ویژگی دوم مؤثر بر نمایندگی سیاسی یک پارلمان این است که مجلس چگونه با توجه به نظام انتخاباتی در چارچوب جامعه سیاسی و اجتماعی کشور عمل می‌کند و چگونه در رابطه با رفتار احزاب سیاسی مختلف منصفانه رفتار می‌کند. چه درجه‌ای از حمایت انتخاباتی بهترین شاخص افکار عمومی است. در حال حاضر عملاً انواع متعددی از نظام‌های انتخاباتی وجود دارد اما سه نمونه شایع آن عبارتند از:

- سیستم تعدد احزاب یا «رأی اکثریت»^۱ در این سیستم رأی‌دهندگان در حوزه‌های انتخاباتی تک‌نماینده رأی‌ریزی کرده و کاندیدایی برنده می‌شود که بیشترین آرا را کسب کند؛ چه این کاندید اکثریت آرا را به دست آورد و چه به دست نیاورد، [برنده کسی است که بیشترین آرا را به خود اختصاص دهد]. در برخی از کشورها یک روند رأی‌گیری جایگزین یا رأی‌گیری دور دوم تعیین شده است که ضمن آن کاندیدایی که اکثریت آرا را در هر حوزه انتخاباتی کسب کرده، می‌تواند انتخاب شود.
- سیستم لیست حزبی:^۲ در این شیوه، احزاب سیاسی فهرستی از نامزدهای مطلوب خود را

1. "first past the post" system

2. party-list system



به ترتیب رتبه تهیه کرده و برای حوزه‌های انتخاباتی چندنماینده‌ای، که ممکن است به بزرگی یک منطقه یا حتی یک کشور باشند، می‌فرستند. متناسب با مجموع آرای که به صندوق‌ها ریخته شده است، تعدادی از نامزدهای مربوط به هر لیست حزبی، نماینده احزاب آن حوزه انتخاباتی خواهند بود.

• **سیستم چند عضوی یا عضو اضافی:**^۱ در اینجا رأی‌دهندگان دارای دو حق رأی هستند، یکی برای تعیین عضو حوزه انتخاباتی، که در سیستم اکثریت آرا تعیین می‌شود و رأی دوم برای سیستم لیست حزبی. تأثیر عنصر دوم، یعنی سیستم لیست حزبی آن است که بین احزاب پارلمان کشور متناسب با کل آرا، توازن برقرار می‌کند؛ چگونگی تناسب به تعداد نمایندگانی بستگی دارد که در هر یک از سیستم‌های انتخاباتی، انتخاب شده‌اند.

از میان این سیستم‌ها، سیستم رأی اکثریت منجر به حصول پارلمانی می‌شود که تناسب در آن رعایت نشده است چراکه آرای ملی که برای هر یک از احزاب مربوطه به صندوق ریخته شده، تناسبی ندارند از این رو پارلمانی که ایجاد می‌شود واقعاً نماینده مردم آن کشور نیست. مقایسه نتایج انتخابات اخیر در هند و انگلستان نشان می‌دهد که این موضوع تا چه حد به فضای خاص هر یک از این کشورها بستگی دارد (به جدول زیر نگاه کنید). اگرچه نتیجه انتخابات در هند اختلاف بسیار میان آرا و کرسی‌های به دست آمده در ایالات تکنماینده و به‌ویژه اختلافات میان احزاب سیاسی را مخفی می‌کند، اما در مجموع پارلمان حاصل آمده، واقعاً نماینده طیف‌های مختلف سیاسی در این کشور است؛ این درحالی است که انتخابات انگلستان علاوه بر موارد مذکور، پارلمانی را حاصل کرد که به هیچ‌وجه نماینده مردم نیست.

جدول نتایج انتخابات در هند و انگلستان

درصد کرسی	کرسی	درصد رأی	هند (۲۰۰۴)
۴۱	۲۲۲	۳۶/۵	کنگره و متحدان
۳۵	۱۸۹	۳۶	BJP و متحدان
۲۴	۱۳۲	۲۷/۵	دیگران
			پادشاهی انگلستان (۲۰۰۵)
۵۵	۳۵۶	۳۶	کار
۳۰	۱۹۷	۳۳	محافظه‌کار
۱۰	۶۲	۲۳	لیبرال دمکرات
۵	۳۱	۸	دیگران

مأخذ: اتحادیه بین‌المجالس.

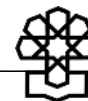
از سوی دیگر، سیستم لیست حزبی، برای ایجاد پارلمانی طراحی شده است که به طور گسترده انتخاب رأی‌دهندگان به احزاب نماینده را منعکس خواهد کرد و از این رو انتشار افکار و آرای مختلف سیاسی در کشور را تسهیل می‌کند.

نقطه ضعف این سیستم آن است که ممکن است هرگونه ارتباط بین رأی‌دهندگان و نمایندگان محلی شناخته شده را از بین ببرد - ارتباطی که می‌تواند دسترسی مردم را به نمایندگان خود تسهیل کرده و نمایندگی منافع محلی را هرچه بیشتر محقق سازد. این مطالعه نشان می‌دهد که تعداد زیادی از پارلمان‌هایی که قبلاً منحصراً به سیستم تک‌عضوی تکیه داشتند به تازگی با ایجاد یک تغییر بسیار ساده، سیستم لیست حزبی را به کار گرفته‌اند تا از این طریق مطمئن شوند که پارلمان‌شان هرچه نماینده‌تر و فراگیرتر خواهد بود. برای مثال، در سال ۲۰۰۲ پارلمان موناکو یک عنصر متناسب را به سیستم رأی‌گیری دو مرحله‌ای حوزه‌های انتخابی خود اضافه کرد تا این اطمینان حاصل آید که نمایندگان سیاسی هرچه متنوع‌تر در شورای ملی^۱ حضور خواهند یافت. در سال ۲۰۰۴ جمهوری کره سیستم انتخاباتی خود را به «سیستم یک نفر دو رأی»^۲ تغییر داد که در آن هر رأی‌دهنده اجازه دارد یک رأی به کاندیدای حاضر در منطقه خود بدهد و رأی دوم را به نفع حزب سیاسی مطلوب خود به صندوق بریزد، که این روند توزیع متناسب ۵۶ کرسی اضافی را تسهیل خواهد کرد. «در نتیجه، هفدهمین مجلس شورای ملی جمهوری کره بیش از پیش رنگ نمایندگی به خود گرفت و صدای همه اقشار جامعه را منعکس گرداند». تأثیر این قبیل اصلاحات در قدرت بخشیدن به اقشاری از جامعه که قبلاً حضور کمتر مورد توجه بودند در سخنان زیر به خوبی آشکار است؛ این گفته‌ها مربوط به یکی از اعضای کارگروه اتحادیه بین‌المجالس در مورد فیلیپین‌ها است:

تصویب «لایحه سیستم لیست حزبی» در سال ۱۹۹۵ که ۲۰ درصد عضویت یا حداکثر ۵۳ کرسی از مجموع ۲۳۶ کرسی در مجلس نمایندگان کنگره فیلیپین را دربر می‌گرفت، در واقع میانبری بود به سوی در هم شکستن استیلای صاحبان تجارت و سرمایه‌داران بر ترکیب کنگره فیلیپین. این سیستم، یک سیستم نمایندگی تناسبی است که در کنار سیستم تک‌منطقه‌ای اکثریت مناطق قانونگذاری، قرار می‌گیرد. علیرغم نقص و کاستی‌های بسیار این اصلاحیه، سیستم لیست حزبی این امکان را حاصل آورد که اقشار به حاشیه رانده شده و تقریباً بدون نماینده جامعه فیلیپین نمایندگان خود را انتخاب و راهی پارلمان کنند.

1. National Council

2. 1 Person 2 Votes System



منابع اینترنتی برای مطالعه بیشتر در مورد سیستم‌های مختلف انتخاباتی:

Administration and Cost of Elections Project (2003). Electoral systems index.
<http://www.aceproject.org/main/english/es/>

Election Process Information Collection Project (2004).
EPIC research results for electoral systems.
[http://epicproject.org/ace/compepic/en/topic\\$es](http://epicproject.org/ace/compepic/en/topic$es)

International IDEA (2002). Electoral system design: The new International IDEA handbook. http://www.idea.int/publications/esd/upload/Idea_ESD_full.pdf

Inter-Parliamentary Union (2006). Parline database module on electoral systems.
<<http://www.ipu.org/parline-e/parlinesearch.asp>>

چه کسی واقعاً رأی می‌دهد

به غیر از شمول حق رأی و ویژگی سیستم انتخاباتی الکتروال، نمایندگی سیاسی یک پارلمان نیز ممکن است تحت تأثیر اینکه چه کسی واقعاً رأی می‌دهد قرار گیرد. اگرچه برای افرادی که بدین صورت عمل نمی‌کنند دلایل بسیاری وجود دارد، یکی از شایع‌ترین آنها عبارت است از این باور که کسانی که انتخاب شده‌اند نماینده منافع رأی‌دهندگان نخواهند بود. اگر این باور در میان بعضی از بخش‌های جامعه در مقایسه با دیگر بخش‌ها گسترده‌تر شود، در نتیجه پارلمانی نامتوازن تشکیل خواهد شد. بنابراین، مثلاً هزینه مبارزات انتخاباتی توانایی نمایندگان را که قرار است نظرات رأی‌دهندگان به خود را منعکس کنند، تحت تأثیر قرار می‌دهد به جای اینکه به حامیان مالی انتخاباتی ایشان کمک رسانده باشد. نمونه‌هایی از عملکرد خوب در تنظیم امور مالی مبارزات انتخاباتی و حزبی به‌طور مشروح در فصل مربوط به پاسخگویی بررسی خواهد شد.^۱ در اینجا ذکر برخی نظرات پارلمان کانادا در مورد اهمیت قوانین سختگیرانه مالی برای اعتباربخشی به روند انتخاباتی و در نتیجه برای مشارکت مردم در انتخابات کافی خواهد بود:

احزاب سیاسی در قلب نظام مدرن سیاسی و انتخاباتی قرار می‌گیرند و برای تحقق یک نظام دمکراتیک زنده و فعال ضروری‌اند. تغییرات اخیر قانون انتخابات و مالیات بر درآمد حاکم بر تأمین مالی احزاب سیاسی و نامزدهای کانادا، به افزایش ماهیت نمایندگی نظام انتخاباتی کانادا کمک کرده است. این اصلاحات کلیدی، زمینه شفافیت بیشتر منابع و مقادیر تأمین منابع مالی، محدودیت کمک‌های مالی فردی و ممنوعیت کمک‌های سازمان‌هایی مانند شرکت‌ها و اتحادیه‌ها به نمایندگان سیاسی را فراهم نموده است. همچنین این تغییرات، این تضمین را فراهم آورده است که از منابع مالی عمومی به‌طور یکسان به همه احزاب سیاسی کمک می‌شود و عدالت در مورد همه ایشان رعایت می‌شود.

۱. این فصل به‌صورت گزارش مجزایی به چاپ خواهد رسید.

در کانادا، سیاستمداران در مورد نرخ مشارکت در روند سیاسی به‌خصوص میزان مشارکت رأی‌دهندگان در میان جوانان بسیار نگرانند. این مشکل به هیچ‌وجه منحصر به کانادا نیست؛ این مشکل را می‌توان به‌عنوان وجه مشترک همه دموکراسی‌های غربی تلقی کرد. بخشی از اهداف تغییرات ذکر شده بالا برای بازگرداندن اعتماد عمومی به نظام انتخاباتی است.

قوانین و رویه‌های انتخاباتی برای اطمینان از انعکاس تنوع اجتماعی جمعیت در پارلمان

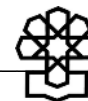
هرچند امکان ارائه مجمل فهرستی جامع از گروه‌های اجتماعی که عدم حضور آنها در پارلمان به یک نگرانی برای همه کشورها تبدیل شده است، وجود ندارد، اما موضوع نمایندگی برخی اقلیت‌ها یا حضور جوامع حاشیه‌ای در مجلس، مسئله‌ای جهانی است. مشخصه یک پارلمان دمکراتیک آن است که با انجام اقدامات مقتضی، از فراگیری کامل مجلس، اطمینان حاصل نماید.

نمایندگی جوامع اقلیت و حاشیه‌ای

این واقعیت که احزاب نماینده جوامع اقلیت، حضور چندانی در پارلمان ندارند لزوماً به این معنا نیست که هویت متمایز و یا منافع ایشان در پارلمان نادیده گرفته می‌شود. شاید این احزاب بتوانند از طریق احزاب جریان اصلی به قدر رضایت احراز نمایندگی کنند. احزاب ممکن است یک سخنگوی جامعه اقلیت انتخاب کنند یا اینکه با پیروی از یک سیستم انتخاباتی خاص به نمایندگان مجلس اجازه دهند که قدرت بیشتری به نمایندگان جامعه اقلیت بخشند. با این حال پیشبرد احراز هرچه بیشتر نمایندگی جامعه اقلیت از طریق احزاب اصلی به نظر می‌رسد تنها زمانی موفق خواهد بود که به اندازه کافی حجم به نسبت بزرگی از نمایندگان را راهی پارلمان کنند.

در جایی که احتمال می‌رود جوامع اقلیت به اندازه کافی در پارلمان احراز نمایندگی نکنند، راهبردهای مختلفی وجود دارد که بسته به نوع نظام انتخاباتی و میزان تمرکز جغرافیایی اقلیت‌ها یا مشارکت اقلیت‌ها قابل اعمال هستند.

• تسهیل ملزومات کاندیداتوری، اقدامات مالی یا ورود به جریان انتخابات: تسهیل برخی روندهای حمایتی مورد نیاز برای ثبت نام یک حزب سیاسی یا کاهش دادن شمار رأی‌دهندگانی که حزب را برای اتکا بر استفاده از کمک‌های مالی مردمی واجد شرایط می‌کند. همچنین می‌توان تدابیری اندیشید که احزابی که به یک اقلیت ملی تعلق دارند با اتکا بر میزان رأی مردمی کمتری وارد پارلمان شوند.



• طراحی محدوده حوزه انتخابی به طوری که بتوان به نمایندگان جوامع اقلیت شانسی موفقیت بیشتری داد: (به عبارت دیگر تقسیم حوزه‌های انتخاباتی به صورت عادلانه)،^۱ یا اگر اقلیت‌ها در یک منطقه خاص متمرکز شده‌اند، تعداد قابل قبولی از کرسی‌های پارلمان را می‌توان به آن منطقه اختصاص داد.

• سهمیه نامزدی احزاب: به طوری که در مناطق خاص حداقل شماری از کسانی که در لیست حزب معرفی می‌شوند، باید از میان جوامع اقلیت انتخاب شوند؛ برای مثال در سنگاپور ۱۴ مورد از ۲۳ حوزه انتخاباتی، حوزه‌های انتخاباتی گروه‌های نمایندگی هستند که متعهدند حداقل یک نامزد در هر لیست حزبی، باید از میان اقلیت‌ها انتخاب شود.

• تخصیص شماری از کرسی‌های مجلس به نمایندگان جوامع اقلیت: این روش پرکاربردترین روشی است که در حال حاضر از سوی ۲۵ کشور جهان به کار گرفته می‌شود. به تازگی هند ۷۹ کرسی از ۵۴۳ کرسی خود را در لوک سابها^۲ برای اصناف مختلف هندی که از پیش تعیین شده‌اند و ۴۱ کرسی برای قبایل مختلف این کشور، تخصیص داده است. موریس ۸ کرسی از ۷۰ کرسی پارلمان خود را به نمایندگان جوامع قومی اختصاص داده است که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند. اسلوونی برای هر یک از جوامع اقلیت ایتالیایی و مجارستانی، یک کرسی در پارلمان اختصاص داده است.

هیچ‌یک از این روش‌ها کاملاً دقیق و بدون نقص نیستند. سهمیه اقلیت‌ها در لیست احزاب جریان اصلی ممکن است جوامع اقلیتی را از اینکه به واسطه سازمان‌های مستقل خود اقدام به احراز نمایندگی کنند، محروم نماید. از طرف دیگر، اقدامات لازم برای حمایت از سازمان‌های مستقل ممکن است در خدمت تقویت هویت جداگانه و خدشه‌دار کردن وحدت ملی قرار گیرد. رویکرد زلاندنو در قبال این معضل چنین است که به رأی‌دهندگان مائوری^۳ اجازه می‌دهد که یا به عنوان یک تبعه ملی زلاندنو یا به عنوان یک مائوری رأی خود را به صندوق بریزند و به افرادی که گزینه دوم را انتخاب می‌کنند اجازه می‌دهد شمار کرسی‌های تخصیص داده شده را تعیین کنند. با این حال، صیانت از حقوق اقلیت‌ها بدون برانگیختن نارضایتی اکثریت در هر کشوری دشوار است و همیشه راه‌حل‌ها براساس شرایط خاص هر کشور ارائه می‌شود. ما نباید این امکان را نادیده بگیریم که ممکن است جوامعی که در نمایندگی مجلس یک کشور به حاشیه رانده شده‌اند ممکن است اکثریت جمعیت کشور را تشکیل دهند.

ممکن است در شرایط پس از منازعات، یا در مواقعی که پس از مداخله نظامی دموکراسی ایجاد

1. Affirmative Gerrymandering
2. Lok Sabha
3. Maori

شده، ترتیبات ویژه انتخاباتی ضرورت پیدا کنند. چنین ترتیباتی ممکن است موقتی باشند و تنها اختلاف‌نظرهایی را در مورد اینکه چه تفسیری از دمکراسی می‌شود شامل شود؛ برای مثال می‌توان به نمونه فیجی اشاره کرد:

در مورد نمایندگی، سیستم انتخاباتی مشترک برای انتخاب اعضای مجلس نمایندگان، به‌طور خاص برای برآورده کردن خواسته‌های اقوام متنوع جزایر فیجی، طراحی شده است. در حال حاضر، با توجه به مبارزاتی که مردم جزایر فیجی در گذشته پشت سر گذاشته‌اند و با در نظر گرفتن اهمیت صیانت از دمکراسی، این سیستم به‌عنوان مناسب‌ترین سیستم در نظر گرفته شده است، چراکه این سیستم، نمایندگی گروه‌های عمده قومی را تضمین می‌کند در حالی که این اطمینان را به وجود می‌آورد که توازن قدرت میان نمایندگان منتخب رعایت خواهد شد تا از این طریق برای همه شهروندانی که در یک حوزه انتخاباتی ثبت نام کرده‌اند، جایگاهی در پارلمان در نظر گرفته می‌شود. با این حال همچنان رویکردهای مخالف در فیجی بر داشتن سیستم انتخاباتی اصرار دارند که حضور اکثریت بومی در مجلس نمایندگان را تضمین کرده و همچنین می‌کوشند که همه افراد ثبت نام‌کننده در حوزه‌های انتخاباتی، بر سر صندلی‌های خالی رقابت کنند.

منابع اینترنتی برای مطالعه بیشتر در مورد نمایندگی جوامع اقلیت و حاشیه‌ای:

European Commission for Democracy Through Law (Venice Commission)

(2000). *Electoral law and national minorities*.

[http://www.venice.coe.int/docs/2000/CDL-INF\(2000\)004-e.asp](http://www.venice.coe.int/docs/2000/CDL-INF(2000)004-e.asp)

European Commission for Democracy Through Law (Venice Commission)

(2005). *Report on electoral rules and affirmative action for national minorities' participation in decision-making process in European countries*.

[http://venice.coe.int/docs/2005/CDL-AD\(2005\)009-e.asp](http://venice.coe.int/docs/2005/CDL-AD(2005)009-e.asp)

Foundation on Inter-Ethnic Relations (1999). *The Lund recommendations on the effective participation of national minorities in public life & explanatory note*.

http://www.osce.org/documents/hcnm/1999/09/2698_en.pdf

Ghai, Y (2001). *Public participation and minorities*. Minority Rights Group International

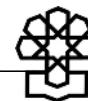
<http://www.minorityrights.org/admin/Download/Pdf/PubPartReport.pdf>

Norris, P (2004). Ethnic minorities, in *Electoral engineering: voting rules and political behavior*.

<http://ksghome.harvard.edu/~pnorris/ACROBAT/Institutions/Chapter 9.pdf>

Organization for Security and Co-operation in Europe, Office for Democratic Institutions and Human Rights (2001). *Guidelines to assist national minority participation in the electoral process*.

<http://www.osce.org/item/13589.html?ch=129>



نقش آفرینی مجلس دوم

مجلس دوم یا مجلس سنا، در عرصه احراز نمایندگی تنوع مردم یک کشور، می‌تواند نقش قابل توجهی ایفا کند. به‌طور آشکار، در نظام‌های فدرال، تنوع ارضی کشور در نمایندگی ایالات یا استان‌های کشور در مجلس نمایندگان برجسته می‌شود و منافع ایشان در مجلس دوم یا همان مجلس سنا منعکس می‌گردد که ممکن است این مجلس سنا به‌طور خاص مسئول بررسی چگونگی تأثیرات قوانین بر مناطق و جوامع مختلف کشور باشد. این کارکرد ارضی^۱ محدود به نظام‌های فدرال نمی‌باشد و ممکن است به‌منظور مشارکت دادن مردم خارج از کشور اجرا شده و در مجلس سنا نماینده ایشان را وارد کرده و از این طریق آنها را در روند پارلمانی دخیل سازد؛ مانند فرانسه. در تمام کشورهای دارای پارلمان دومجلسی، سازوکار انتخاباتی برای مجلس دوم، به‌منظور حصول اطمینان از حضور حداکثری نمایندگان جوامع و گروه‌های اجتماعی مختلف در نظر گرفته می‌شود، که می‌تواند شیوه انتخاباتی به طریقی متفاوت از سیستم انتخاباتی مجلس اول صورت پذیرد یا از روش‌های انتصابی استفاده شود (که در آن نمایندگان انتصابی حضور می‌یابند). به این ترتیب نمایندگی اجتماعی مجلس به‌عنوان یک کل می‌تواند ارتقا یابد و در آن نمایندگی گروه‌های غیرفعال، گروه‌های اجتماعی حذف شده و اقلیت‌های کوچک از هر نوع، بیش از پیش محرز شده و پررنگ شود.

روندهای منصفانه و جامع پارلمانی

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، برای تحقق پارلمانی که می‌کوشد نماینده همه شهروندان خود باشد، پرداختن و اهتمام به ترکیب مجلس صرفاً کافی نیست. لازم است که روندهای داخلی و نحوه عملکرد آن فراگیر بوده و برای تمام نمایندگان پارلمان این فرصت را پدید آورد تا نقش خود را در انجام کار پارلمانی خود ایفا کنند. این اصل فراگیر بودن جنبه‌های مختلفی دارد که به نوبت به آنها خواهیم پرداخت. همه این موارد برای کارگشا و مؤثر بودن به عامل دیگری بستگی دارند که همان بی‌طرف بودن ریاست یا سخنگوی پارلمان است؛ کسی که در اقامه شدن عدالت میان گروه‌ها و احزاب مختلف در پارلمان، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. پارلمان‌های بسیاری برای اطمینان از ویژگی «بی‌طرف بودن حزبی» رئیس پارلمان یا سخنگوی آن، تلاش و دقت بسیار می‌کنند، حتی اگر رئیس پارلمان پیش از آن به حزب خاصی گرایش داشته باشد کنار گذاشته می‌شود.

حتی کربباتی این الزام را به وجود آورده است که سخنگوی مجلس از میان نامزدهایی انتخاب شود که خارج از پارلمان هستند، تا از این طریق مانع وارد آمدن فشارهایی شوند که او را از انجام وظایفش باز می‌دارند. بیشتر پارلمان‌ها با انتخاب گزینه‌های خود برای ریاست یک کمیسیون یا معاون رئیس پارلمان از میان کسانی که بی‌طرف بودن ایشان محرز شده است به نتیجه مشابهی دست می‌یابند. این ویژگی‌ها را می‌توان در توصیفی که از جی. وی. ماوالانکار،^۱ رئیس سابق پارلمان هند ارائه شده است، مشاهده کرد:

ماوالانکار در سمت رئیس مجلس اولین پارلمان یک کشور تازه استقلال یافته، نه تنها به‌عنوان یک میانجی و تسهیل‌کننده روندهای پارلمان ایفای نقش می‌کرد، بلکه یکی از بنیانگذاران آغازین آن بوده و با احساس مسئولیت بسیار به وضع قوانین، رویه‌ها، معاهدات و آداب و رسوم مبادرت می‌ورزید. او همه این کارها را با صبر، استقامت، دانش و مهمتر از همه با درکی کامل از تاریخ به انجام می‌رساند... در کاربرد قواعد عملکرد و رفتار کاری مجلس،^۲ تعهدی مثال‌زدنی را نشان داد و هرگز میان نمایندگان عضو در بدنه حکومت و نمایندگان جناح مخالفان، هیچ تمایزی قائل نشد. این سنت در طول سالیان دراز پابرجا مانده و از آن نگهداری شده است و همین سنت است که عملکرد کارآمد نظام پارلمانی ما را ممکن ساخته است.

توضیحات بالا اهمیت رئیس مجلس را به‌ویژه برای پارلمانی جدیدالتأسیس و جوان نشان داد و ضرورت آن را در بنیان نهادن سنت بی‌طرفی در عملکرد پارلمان آشکار ساخت. در پارلمانی که در آن ریاست پارلمان از میان اعضای یک حزب انتخاب می‌شود، که در واقع نماینده حزب اکثریت یا ائتلاف چند حزب است، به‌منظور حصول اطمینان از رعایت حقوق همه افراد، بسیار مهم است که روش‌ها و روندهای کنترلی وضع شوند.

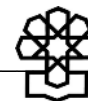
جامعیت برای احزاب

بیشتر کار پارلمان در کمیسیون‌های مختلف، چه کمیسیون‌های قانونگذاری و چه کمیسیون‌های نظارتی یا ترکیبی از این دو، به اجرا در می‌آید. تقریباً در همه پارلمان‌ها این رویه پذیرفته شده است که به‌طور کلی عضویت در هر کمیته با قدرت احزاب و گروه‌های مختلف در پارلمان، تناسب دارد. بنابراین، برای مثال، صربستان و مونتنگرو گزارش می‌دهند که «در روند استقرار مجموعه‌های مختلف هیئت قانونگذاری،^۳ قاعده تناسب در مورد حضور نمایندگان هریک از احزاب سیاسی در این

1. G.V.Mavalankar

2. Rules of Procedure and Conduct of Business of the House

3. Assembly



مجموعه‌ها رعایت می‌شود». علاوه بر این، برخی از پارلمان‌ها کرسی کمیسیون‌های مشخصی را به‌طور خاص برای اعضای جناح مخالف یا حزب اقلیت در نظر می‌گیرند. پارلمان ملی فرانسه به جناح مخالف این حق را داده است تا کرسی یا ریاست هر کمیسیون مطلوب خود را به دست آورد. در پارلمان لیتوانیا^۱ نماینده جناح مخالف پارلمان به ریاست یا معاونت ریاست کمیسیون بودجه و امور مالی پارلمان منصوب می‌شود که در پارلمان‌هایی شبیه به پارلمان انگلیس چنین روندی در مورد کمیسیون اموال عمومی اجرا می‌شود.

در شماری از پارلمان‌ها این خصیصه چند حزبی بودن عضویت در کمیسیون‌ها، به روند تصمیم‌گیری‌ها نیز تعمیم داده می‌شود. نکته بسیار مهم اینجاست که این ماجرا در کمیسیون‌های فعال، که کار خود را پیش از کار پارلمان، آغاز می‌کنند، اتفاق می‌افتد. برای مثال، در زیمبابوه، کمیسیون کسب‌وکار چندحزبی در هر هفته به‌منظور سازماندهی فعالیت‌های پارلمان و با کنار گذاشتن گرایش‌های حزبی با رئیس پارلمان و معاون وی دیدار می‌کنند. چنین ترتیبی در اکثر مجالس معمول است و به‌طور کامل در فصل شش گزارش‌های بیشتری در این مورد ارائه خواهد شد. در برخی موارد، روح اجماع^۲ را نیز می‌توان در کمیسیون‌های ماهوی^۳ مشاهده کرد. در مجلس نمایندگان قبرس، بحث‌ها در سطح کمیسیون تحت تأثیر روح سازش انجام می‌شود و بیشتر قوانین به اتفاق آرای اعضای حاضر به تصویب می‌رسند. در کمیسیون امور خارجه پارلمان نروژ، به دولت فرصت داده می‌شود پیش از هرگونه تصمیم‌گیری نهایی، در مورد مسائل مهم مربوط به تجارت، امنیت ملی و سیاست خارجی، با تمام جناح‌های پارلمان به بحث بنشینند. «وجود این کمیسیون به اجماع سیاسی در عرصه سیاست خارجی نروژ کمک کرده است که از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون همچنان پابرجاست». در مورد پارلمان ملی سنگال به نکته مهمی که می‌توان اشاره کرد این است که در آن یک کمیسیون موقت متشکل از رهبران همه گروه‌های سیاسی تشکیل می‌شود تا از این طریق وسیع‌ترین توافق ممکن حاصل آید.

در استرالیا این رویکرد اجماع‌گرایی، در بسیاری از کمیسیون‌ها دیده می‌شود:

یکی از ویژگی‌های بارز کمیسیون‌های مجلس نمایندگان این است که معمولاً رویکردی سیاسی در مورد موضوعی که در دستور کار دارند، اتخاذ نمی‌کنند؛ اعضای کمیسیون از طیف‌های سیاسی مختلف انتخاب می‌شوند و در تلاشی غیررقابتی برای رسیدن به یک راه حل متداول می‌کوشند. به این ترتیب، خروجی‌های ایشان در ایجاد تغییر در سیاست‌های دولت استرالیا در زمینه مسائل عمومی این کشور، معمولاً سازنده‌تر و مؤثر است و از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد.

1. Lithuanian Seimas
2. Spirit of Consensus
3. Substantive Committees

جایی که اتفاق نظر در کار کمیسیون امکان‌پذیر نیست، بسیاری از مجالس ملزومات ارائه گزارش‌های اقلیت را فراهم می‌آورند.

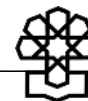
حقوق ویژه برای جناح مخالف یا احزاب و گروه‌های اقلیت

احزاب مخالف و اقلیت در بازخواست و جواب‌خواهی از دولت و نیز فراهم آوردن گزینه‌های جایگزین برای بررسی در نشست‌های عمومی، نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. در نظام‌های پارلمانی، که در آن دولت می‌تواند پیش از بحث و قانونگذاری در پارلمان، از طریق اکثریت پارلمانی خود، ابتکار عمل را به دست گیرد، بسیار مهم است که حقوقی برای اعلام مخالفت رسمی در نظر گرفته شود تا از این طریق خواسته‌های این جناح مخالف نیز در دستور کار مجلس قرار گیرد و همچنین باید زمان لازم برای انجام مذاکرات پارلمانی در نظر گرفته شود. به همین دلیل، احزاب اقلیت در مجالس قانونگذاری در یک نظام ریاست‌جمهوری، نیاز به حقوقی مشابه دارند. حتی در نظام پادشاهی عربستان سعودی، چنانچه یک گروه ده نفره از اعضای بدنه قانونگذاری نامه‌ای را امضا کنند می‌توانند پیش‌نویس یک قانون یا قانون مصوبی را از چرخه اجرا خارج کنند. چنین حقوقی تقریباً در همه پارلمان‌های دنیا به رسمیت شناخته شده است.

برای مثال در پارلمان ایتالیا، که مقررات بسیار دقیقی بر اختصاص زمان حاکم است، برای گروه‌های مخالف نیز حداقل زمان ممکن برای ارائه مطالب‌شان در نظر گرفته شده است. در مورد لویجی که از طرف دولت مطرح می‌شود، زمانی که برای ارائه نظر گروه‌های مخالف در نظر گرفته می‌شود، در مقایسه با جناح اکثریت، بسیار بیشتر است. پارلمان لیتوانی زمانی را برای گروه‌های مخالف در نظر گرفته است تا لوایح پارلمانی و دستور کارهای خود را طرح کنند و همچنین این اولویت را برای رهبر جناح مخالف قائل شده است تا از وزرای دولت در مورد برنامه‌های دولت و گزارش سالیانه آن، سؤال کند. در مجلس عوام بریتانیا در هر دوره نشست، بیست روز به جناح مخالف اختصاص داده می‌شود که از این مدت هفده روز آن در اختیار رهبر بزرگترین جناح مخالف قرار می‌گیرد. چنین مواردی را می‌توان در بسیاری از پارلمان‌ها مشاهده کرد.

منابع اینترنتی برای مطالعه بیشتر در مورد نقش و حقوق احزاب مخالف در مجلس:

Inter-Parliamentary Union (1999). Guidelines on the rights and duties of the opposition in Parliament. <http://www.ipu.org/splz-e/gabon.htm>



فرصت‌های در نظر گرفته شده برای اعضای مستقل

اصل شمول همچنین بر این امر تأکید دارد که باید برای آن دسته از کسانی که در زمره رهبران گروه‌های مختلف پارلمانی قرار نمی‌گیرند، فرصت‌های مجزایی در نظر گرفته شود تا در فعالیت‌های مختلف پارلمانی شرکت کنند. بسیاری از پارلمان‌ها برای نمایندگان مستقل یا «اعضای هیئت قانونگذاری»^۱ وقت مشخصی را در نظر می‌گیرند تا به معرفی لوایح خود، که گاهی اوقات به آن لوایح «نمایندگان خصوصی» نیز می‌گویند، بپردازند یا پیشنهادات خود را به کمیسیون‌های پارلمان یا خود پارلمان اصلی ارائه کنند یا ابتکار عمل را در دست گرفته و بحث را آغاز کنند.

با این حال چنین امکاناتی می‌تواند مشکلاتی به همراه داشته باشد. پارلمان اسرائیل به ازدیاد لوایح خصوصی نمایندگان پارلمان، به‌عنوان یکی از مشکلات اصلی سازمانی آن اشاره می‌کند. پارلمان سوئد حقوق مشابهی برای نمایندگان مستقل مجلس در نظر گرفته است:

استفاده گسترده از این حقوق ممکن است منجر به مشکلاتی در ارتباط با کارآمدی عملکرد مجلس شود. در سوئد، استفاده نمایندگان مستقل از این حق ابتکار عمل، مشکلات مشابهی را برای کمیسیون‌های مختلف به وجود آورده است، به‌طوری که آنها را با مسائل و طرح‌هایی مواجه ساخته‌اند که برخاسته از همین ابتکار عمل‌ها است. در مقابل، برخلاف مشکلات ناشی از استفاده از حق ابتکار عمل، استفاده از سایر حقوق عمدتاً توسط احزاب و نه نمایندگان مستقل کنترل می‌شود و از این طریق خطر پیش آمد افراط مذکور کاهش می‌یابد.

سازماندهی مؤثر کار، جریانی است که تمام پارلمان‌ها را به‌خود مشغول کرده است و در فصل شش مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در اینجا اشاره به دو روشی که از طریق آنها مشکلات ایجاد شده در پارلمان سوئد توسط دیگر پارلمان‌ها حل شد، کفایت می‌کند. یکی از این موارد در پارلمان ایتالیا تجربه شد که در آن برای زمان و بازه هرگونه مشارکتی قوانینی مشخص تعیین شد، «از جمله دخالت‌های فردی توسط نمایندگانی که از طرف یک گروه پارلمانی صحبت نمی‌کنند». روش دوم که بسیار ساده است، افزایش زمان می‌باشد. برای مثال، در پارلمان هند نهادی به نام «ساعت صفر»^۲ تأسیس شد که پس از ساعت پرسش رسمی^۳ و پیش از آغاز به‌کار رسمی پارلمان، دست به‌کار می‌شود. این نهاد اینگونه توصیف شده است:

ظهور ساعت صفر به اوایل دهه شصت باز می‌گردد؛ زمانی که مسائل بسیار با اهمیت و فوری توسط اعضا مطرح می‌شدند، گاهی اوقات با اجازه رئیس پارلمان و گاهی اوقات بدون کسب اجازه

1. Backbenchers

2. Zero Hour

3. Formal Question Hour

وی. نمایندگان آزاد بودند هر موضوعی را که برایشان اهمیت داشت مطرح کنند - بین‌المللی، ملی یا محلی. ساعت صفر با عباراتی همچون «اتلاف پول مردم»، «ساعت دیوانگی»، «یک شروع بزرگ یک روز بد» و «چیز ناخواسته» توصیف شده است. اما با این حال بسیار پرجنب‌وجوش و مهم گشته است. گاهی اوقات به‌منزله بزرگترین مانع پیش روی اعضای هیئت رئیسه در انجام کار است و در برخی موارد به‌مثابه یکی از اصول اصلی دستور کار و عملکرد پارلمان می‌باشد.

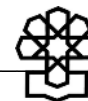
ایجاد مجلس موازی روشی رادیکال‌تر برای افزایش زمان در دسترس پارلمان برای نمایندگان آن است. مجلس نمایندگان استرالیا که برای اولین بار چنین نهادی را ایجاد کرد، و آن را کمیته اصلی^۱ نامید، آن را به‌عنوان مهمترین اصلاحات اخیر خود قلمداد می‌کند. «این نهاد نمی‌تواند کار مجلس را انجام دهد و نمی‌تواند تصمیم نهایی را در مورد چنین کارهایی بگیرد، بلکه امور مابین این دو را انجام می‌دهد». ایجاد این نهاد به‌طور چشمگیری مقدار زمان در دسترس برای انجام امور مربوط به دولت و امور مربوط به نمایندگان پارلمان را افزایش داد، ادامه طرح گزارش‌های کمیته‌های مختلف مجلس را ممکن ساخت و به نمایندگان مجلس این فرصت را داد تا زمان بیشتری را صرف بحث در مورد مسائل کنند. یک مجلس موازی مشابه، با عنوان وست‌مینستر هال^۲، در مجلس عوام انگلیس ایجاد شده است.

تساوی برای اعضای اقلیت‌ها و جوامع حاشیه‌ای

در بسیاری از پارلمان‌ها، حضور نمایندگان اقلیت‌ها و جوامع به حاشیه رانده شده، ممکن است به‌طور مؤثری از طریق رویه‌هایی که پیش از این در مورد جناح مخالف و احزاب اقلیت مورد بحث قرار گرفت، ممکن شود. به هر حال جایی که اقلیت بسیار کوچک است، درخواست برخی حقوق پارلمانی همچون مناصب قوه مقننه یا دیگر کمیته‌ها از طریق سازوکارهای معمول، غیرممکن است. در این مورد ملزوماتی همچون نیاز به تعداد حداقلی از نمایندگان، ممکن است از قانون مستثنا شود یا حقوق رویه‌ای ویژه‌ای برای موضوعات مربوط به اقلیت‌ها اعطا شود. این مسئله می‌تواند حق طرح پیشنهاد قانون جدید یا رد انواع خاصی از لوایح را نیز شامل شود. برای مثال در بلژیک در موضوعات مشخصی، پارلمان به دو گروه فرانسوی زبان و هلندی زبان تقسیم می‌شود و یک اکثریت در هر گروه به‌علاوه یک اکثریت دوسوم از کل، در پارلمان لازم است تا موضوعی تصویب شود.

از آنجا که اقلیت و جوامع حاشیه‌ای معمولاً به‌وسیله تکلم به زبانی که با زبان اکثریت تفاوت

1. Main Committee
2. Westminster Hall



می‌کند مشخص می‌شوند، موضوع مهم این است که ترکیب پارلمان با زبان یا زبان‌هایی که امور پارلمان با آن اداره می‌شود ارتباط یابد. این ملاحظه در جایی که زبان اداره پارلمان به وسیله اکثریت جمعیت تکلم نمی‌شود اهمیت بیشتری می‌یابد. مسائلی چون هزینه تهیه تسهیلات ترجمه ممکن است عاملی محدودکننده باشد. برای مثال در پارلمان هند زبان اداره مجلس، هندی و انگلیسی است. به هر حال، از زمان مجلس چهارم به اعضا اجازه داده شده است که مجلس را به هر زبانی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است مورد خطاب قرار دهند. در حال حاضر، به غیر از دو زبان مذکور، امکانات ترجمه همزمان به هشت زبان مهیاست. این زبان‌ها عبارتند از: (Assamese , Bengali , Kannada , Malayalam , Marathi , Oriya , Tamil and Telegu) در حالی که در مجلس سنا، امکانات برای زبان‌های گوجراتی، اردو و پنجابی نیز مهیاست.

منابع اینترنتی برای مطالعه بیشتر در مورد استفاده از زبان اقلیت‌ها و زبان‌های محلی در پارلمان‌ها: Matiki, A (2002). Language planning and linguistic exclusion in the legislative process in Malawi. <<http://www.linguapax.org/congres/taller/taller1/Matiki.html>> The House: New Zealand's House of Representatives 1854-2004 (2005). Parliament in Te Reo. <http://www.nzhistory.net.nz/Gallery/parlt-hist/tereo.html>

ایجاد تسهیلات برای تمام اعضا در انجام فعالیت‌های پارلمانی

علاوه بر اشکال مختلف نابرابری میان اعضا که پیش از این بحث شد، ممکن است تفاوت‌هایی در منابع یا توانایی‌ها وجود داشته باشد که کمتر به چشم می‌آیند. این تفاوت‌ها بعضی از اعضا را در موقعیت ضعف سیستمی قرار می‌دهد. موضوع منابع پارلمانی و امکانات به‌طور کامل در فصل ۶ مورد بحث قرار خواهد گرفت. در اینجا کافی است خاطرنشان سازیم که اعضا باید از دسترسی یکسانی برخوردار باشند، بخش تحقیقات پارلمان و کارمندان کتابخانه باید بدون تبعیض به تمام اعضا خدمات ارائه دهند.

به هر حال، تنها مسئله امکانات نیست، بلکه توانایی استفاده از آن امکانات نیز مهم است. برای مثال، امروزه بسیاری از پارلمان‌ها از امکانات آنلاین برخوردارند به نحوی که اعضا می‌توانند در عرض چند دقیقه از تغییر و تحولات لوایح و دیگر جنبه‌های کاری پارلمان اطلاع یابند. به هر حال، همه ارزیابی‌ها درباره استفاده از امکانات ارتباطی الکترونیکی نشان می‌دهد که نابرابری میان کاربران تنها به‌خاطر ابزار نیست بلکه مربوط به توانایی استفاده کامل از آنها نیز هست. این واقعیت که امروزه اعضای پارلمان‌ها به‌طور فزاینده‌ای از پیش‌زمینه حرفه‌ای برخوردارند، به این معناست که ممکن است چنین توانایی‌هایی به‌سادگی نادیده گرفته شوند. افراد همواره نیاز به آموزش دارند،

حتی اگر به‌روز شدن و به‌روز باقی ماندن مهارت‌ها مد نظر باشد. برای مثال، چنین حالتی را می‌توان برای اعضای متصور شد که به‌تازگی انتخاب شده‌اند. رویه‌های پارلمان اغلب محرمانه به نظر می‌رسد، مطالبات جاری بسیار متنوع است و اعضا در بسیاری از مواقع دست تنها و بدون کمک باقی می‌مانند. ممکن است زمان بسیاری صرف شود تا اعضای جدید روش‌های مؤثر بودن در برابر مسئولیت‌های خود را به‌طور کامل فرا بگیرند. بیشتر پارلمان‌ها برنامه‌هایی به‌منظور معرفی و راهنمایی برای اعضای تازه‌وارد تدارک می‌بینند، اگر چه این برنامه‌ها به‌لحاظ کیفی و قابل استفاده بودن متفاوت هستند. بعضی از این برنامه‌ها توسط گروه‌های حزبی و برخی دیگر به کمک کادر اداری پارلمان تدارک دیده می‌شود. در بررسی اتحادیه بین‌المجالس از برنامه‌های آموزشی اجرا شده، موارد زیر به‌عنوان عناصر ضروری چنین برنامه‌هایی پیشنهاد شدند:

- حقوق و تکالیف اعضا،

- رویه پارلمان، قواعد مذاکره و رأی‌گیری در کمیته‌ها و صحن علنی پارلمان،

- جزئیات خدماتی که در پارلمان تدارک دیده شده و نحوه دستیابی به آنها،

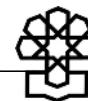
- سازماندهی دفتر و استفاده از تجهیزات الکترونیکی و دیگر تجهیزات،

- ارتباطات رسانه‌ای،

- سازماندهی دفاتر حوزه‌های انتخابی و ارتباط با موکلین.

به‌عنوان یک مثال خاص، پارلمان نیوزیلند مجموعه‌ای از کتاب‌های راهنما را تهیه کرده است که کلیه فعالیت‌های اعضا را شرح می‌دهد که به‌صورت آنلاین برای تمام اعضای آن قابل دسترسی است. برای مثال کتاب راهنمای «انتخاب مؤثر اعضای کمیسیون»^۱ تمامی جنبه‌های کار کمیسیون‌ها را همچون دستورالعمل‌های جاری، رویه‌های کاری، خدمات حمایتی قابل دسترس، راهنمایی رؤسای کمیته‌ها و... در آن ذکر شده است. هدف کتاب مذکور این است که مخاطبین خود را توانمند سازد تا به طریقی سهل‌تر اهداف خود را در کمیسیون‌های مورد نظر به دست آورند. این کار همچنین ایشان را قادر می‌سازد تا موکلین خود را به نحو کارآمدتری نمایندگی کنند. در اینجا به چند مورد کاربردی اشاره می‌شود:

بدانید در پی دست یافتن به چه چیزی هستید. برای اینکه عضوی مؤثر باشید، لازم است که از پیش برنامه‌ای برای آنچه می‌خواهید در یک نشست خاص به دست آورید و اینکه چگونه باید آن را به دست آورید، تهیه کنید. گاهی اوقات جریان امور می‌تواند با سرعت بیشتری حرکت کند و بدون



یک طرح ممکن است فرصت مطرح کردن یک موضوع یا پیشنهاد یا تغییر یک گزارش را از دست رفته بیابید. کتاب راهنما به شما کمک خواهد کرد تا بدانید چه چیزی را می‌توانید به دست آورید و چگونه طرح خود را در میان محدودیت‌های بسیار وضع شده، در روند دستورهای جاری بگنجانید. شانس شما برای تبدیل شدن به یک قانونگذار مؤثر. برای اینکه قانونگذاری کارآمد باشید، لازم نیست حتماً از یک دانشگاه معتبر مدرک حقوقی کسب کرده باشید. تمام آنچه شما نیاز دارید عبارت است از ایده‌های شما، تعهد به پیگیری یک روند و توانایی متقاعد کردن همکاران خود در کمیسیون به پذیرش اینکه پیشنهادهای شما باید اجرا شود. مشاوران کمیسیون‌ها در مورد عملی بودن پیشنهادات نظر می‌دهند و نوشتن پیش‌نویس قانون توسط کسانی که در این کار تخصص لازم را دارند، انجام خواهد شد. لازم است در هنگام رسیدگی به قانون، به صورت جدی به آن فکر کنید. اگر لایحه مطرح شده در برابر خود را درک نمی‌کنید، برای سؤال کردن از قبل آماده شوید. به احتمال زیاد اگر شما آن را درک نمی‌کنید، مردمی که آنها را نمایندگی می‌کنید آن را درک نخواهند کرد.

حمایت از حقوق نمایندگان در انجام کامل تعهداتشان

یک شرط اساسی برای خصلت «نماینده بودن» پارلمان و نیز برای اینکه اعضای پارلمان به‌طور مؤثری نماینده موکلین خود باشند، این است که در بیان نظرات خود بدون ترس یا جانبداری، آزاد باشند. به‌لحاظ تاریخی، اعضای پارلمان اغلب تحت انواع فشار و ارباب ازسوی دولت‌ها بوده‌اند، به‌ویژه زمانی که علیه سوءاستفاده‌های دولت سخن گفته‌اند. همچنین دیگر نیروهای فعال در عرصه اجتماعی نیز فشارهای غیرقابل توجیهی بر ایشان وارد می‌کنند. به همین علت است که حقوق اعضای پارلمان در بحث آزادی بیان به‌واسطه «امتیازات پارلمانی» یا مبحث «عدم مسئولیت» حمایت می‌شوند، همچنین اعضای پارلمان به‌خاطر ابراز نظر یا مخالفت‌هایشان در هنگام انجام وظیفه، در برابر تعقیب قضایی مصون خواهند بود.

عدم مسئولیت پارلمانی، هر آنچه را که توسط یک عضو پارلمان گفته یا نوشته می‌شود و هر عملی که از او در مقام انجام وظایف رسمی از او سر زده است، شامل می‌شود ... این حمایت مطلق و دائمی است حتی پس از آنکه دوره یا دوران نمایندگی او به‌سر آید. تمام کشورها قاعده عدم مسئولیت را به ترتیبی که شرح داده شد تأیید کرده‌اند. (کمیسیون حقوق بشر نمایندگان پارلمانی در اتحادیه بین‌المجالس، ۱۹۹۳).

اهمیت چنین امتیازی نه تنها برای حمایت از اعضای پارلمان، بلکه در این است که هرچه بهتر منافع موکلین خود را نمایندگی کرده و از آنها حمایت می‌کنند. این مطلب به‌خوبی در قطعنامه

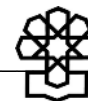
اتحادیه بین‌المجالس در مکزیکوسیتی در سال ۱۹۷۶ بیان شده است: «حمایت از حقوق اعضای پارلمان پیش‌نیاز ضروری برای توانمند ساختن آنها در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در کشورهای مربوطه است، در مجموع، ماهیت نمایندگی در یک پارلمان رابطه نزدیکی با محترم شمردن حقوق اعضای آن پارلمان دارد».

با در نظر گرفتن سبقه نظام‌های خودکامه، بعضی پارلمان‌ها، علاوه بر مصونیت پارلمانی به اعضای خود مصونیت از توقیف و تعقیب در جرائم معمولی را نیز داده‌اند، زیرا چنین تعقیب‌هایی اغلب به‌عنوان راهکاری در دست دولت قرار می‌گیرد که با استفاده از آنها نمایندگان منتقد و اشکال‌تراش را از صحنه سیاسی، خارج می‌کنند. چنین مصونیتی یا به تعبیر دیگر این «عدم تعرض» محدود به زمان تصدی اعضا در سمت نمایندگی است. در بعضی موارد مهم این اصل (عدم تعرض) ممکن است کنار گذاشته شود اما تنها با رأی خود پارلمان، این امر امکان‌پذیر است. در کشورهای که این اصل اجرا می‌شود، پارلمان می‌کوشد میان نیاز به حمایت از آزادی اعضا در برابر تجاوز قوه مجریه با این تلقی مردم که اعضای پارلمان نخبگانی هستند با امتیازات ناروا، تعادل ایجاد کند. به دست آوردن این تعادل به‌صورت صحیح آن هم در شرایط متغیر کنونی، آسان نیست و شماری از پارلمان‌ها در حال بازنگری در این موضوع هستند.

در صورت تجاوز به حقوق اعضا که توسط سازوکارهای داخلی نیز به آن رسیدگی نشده است، اعضای پارلمان می‌توانند به کمیسیون حقوق بشر اعضای پارلمان، که تحت حمایت اتحادیه بین‌المجالس در سال ۱۹۷۷ تأسیس شده است، شکایت کنند. این کمیسیون، که از اعضای پارلمانی ارشد سراسر جهان تشکیل شده است، از طریق یک رویه شبه‌قضایی وارد عمل می‌شود که از پی موافقتنامه حل‌وفصل دوجانبه محرمانه با دولت یا پارلمان مسئول، حاصل می‌شود. تنها در وضعیت عدم وجود موافقتنامه حل‌وفصل اختلاف، موضوع از سوی شورای حکام اتحادیه بین‌المجالس، بررسی می‌شود. این کمیته اکنون به‌عنوان نهاد اصلی حمایت از حقوق اعضای پارلمان‌ها پذیرفته شده است.

منابع اینترنتی بیشتر برای مطالعه در مورد حقوق اعضای پارلمان:

Inter-Parliamentary Union (1993). Inter-parliamentary symposium "Parliament: Guardian of human rights". Summing-up of the deliberations by the President of the symposium. <<http://www.ipu.org/splz-e/budapest.htm>>
 Inter-Parliamentary Union (2006). Human rights and humanitarian law. <<http://www.ipu.org/iss-e/hr-law.htm>>
 Inter-Parliamentary Union (2006). Parline database module on the parliamentary mandate. <<http://www.ipu.org/parline-e/parlinesearch.asp>>



McGee, S (2001). Rules on parliamentary immunity in the European Parliament and the member States of the European Union. European Centre for Parliamentary Research and Documentation

<<http://www.ecprd.org/Doc/publica/OTH/RulesParlImmu.pdf>>

Myttenaere, R (1998). The immunities of members of parliament, in Constitutional and Parliamentary Information N° 175. Association of Secretaries General of Parliaments

<http://www.asgp.info/Publications/CPI-English/1998_175_05-e.pdf>

راه دیگر برای رهایی اعضای پارلمان از فشارهای غیرقابل توجیه، بهره‌مندی از حمایت‌های گروه‌های پارلمانی خارج از کشور است. برای مثال، پارلمان آلمان برنامه‌ای را تحت عنوان «حمایت اعضای پارلمان‌ها از اعضای پارلمان‌ها»^۱ آغاز کرده است که عملکرد آن در زیر به صورت خلاصه ذکر می‌شود:

هیچ‌کس در آلمان برای طرفداری از اجرا و نظارت بر حقوق بشر نباید متحمل هیچگونه خطری گردد. به هر حال در بسیاری از کشورهای دیگر، مردمی که از حقوق بشر حمایت می‌کنند، می‌توانند خود قربانی نقض حقوق بشر شوند ... سیاستمداران نیز از جمله مدافعین حقوق بشر هستند که در معرض خطر می‌باشند. بسیار اتفاق می‌افتد که به استفاده از حق آزادی بیان، به منزله ارتکاب جرم برای آنها محسوب می‌شود. انتقادی که آنها مطرح می‌کنند مانند تیغ است بر بدنه نهادهای دولتی که وضعیت حقوق بشر در آنها و همچنین گروه‌های پارلمانی آنها با مشکل مواجه است.

شما به عنوان اعضای پارلمان، شبکه ارتباطی بین‌المللی دارید که می‌توانید از آن به نفع اعضای پارلمان‌هایی که در معرض خطر هستند استفاده کنید ... دبیرخانه کمیسیون حقوق بشر و کمک‌های انسان‌دوستانه به سیاستمداران در اقلیت، که در معرض تهدید دولت‌هایی هستند که شما با آنها ارتباط برقرار کرده‌اید یا قصد بازدید از آنها را دارید و نیز درباره چگونگی حمایت از آنها، به شما اطلاع‌رسانی خواهد کرد. شما همچنین می‌توانید از اطلاعات تهیه شده توسط دبیرخانه این کمیسیون برای پیشنهاد دریافت کمک در داخل آلمان استفاده کنید. این امر می‌تواند مبنای استواری را برای دادخواهی و گفتگو با تصمیم‌گیران سیاسی در کشورهایی که حقوق بشر در آنها نقض شده است، به وجود آورد.

حقوق فردی اعضای پارلمان و انضباط حزبی

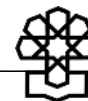
مسئله دشوار و بسیار مناقشه‌برانگیز در این باره عبارت است از ایجاد تعادل صحیح میان الزامات انضباط حزبی و حقوق فردی اعضای پارلمان در بیان آزادانه نظرات خود. از یک طرف، منطقی

است که یک حزب با حمایت‌های خود اسباب انتخاب یک نماینده را فراهم آورده است، انتظار داشته باشد که آن عضو پارلمانی از برنامه حزب در پارلمان حمایت کند. این وضعیت نه تنها برای خود احزاب ضروری است، بلکه برای رأی‌دهندگان نیز اگر بتوانند روی ارتباط میان رأی خود و عمل نمایندگان خود در پارلمان حساب کنند، ضروری است. ازسوی دیگر، اعضا برای دفاع از منافع موکلین خود و موضع‌گیری در برابر سیاست‌هایی که به اعتقاد آنها منحرف یا مخرب است، تعهد دارند هرچند در جایی که این سیاست‌ها ازسوی حزبشان حمایت شده باشد. این درحالی است که احزاب مسئولیت گسترش رویه‌های دمکراتیک درونی را نیز برعهده دارند که به جای سرسپردگی به موارد دیکته شده از بالا، امکان بحث و مذاکره کامل در مورد مسائل مورد نزاع را فراهم می‌آورد.

اینکه اعضای پارلمان چگونه به مطالبات متناقض حزب و وجدان شخصی خود پاسخ دهند، یکی از مشکلاتی است که با آن روبه‌رو هستند. احزاب پارلمانی روش‌های انضباطی حزبی مختلفی دارند که برای اعمال بر اعضای ناموافق می‌توانند به‌کار گیرند؛ و در این راه آزاد بوده و حتی می‌توانند نماینده را از حزب اخراج کرده و حمایت خود را در انتخابات آتی، از وی سلب کنند. این نکته در جایی که چنین مجازاتی به تعدی به حقوق فردی یک نماینده منجر شده است، از جانب شورای حکام اتحادیه بین‌المجالس در موارد آزمایشی و در حضور کمیته حقوق بشر اعضای پارلمانی این اتحادیه مطرح شده است مورد بازنگری قرار گرفته است. نخست، هرگونه اخراج باید با قواعد داخلی حزبی که روندی مشخص دارد، از جمله این حق دفاع عضو از خویش، هماهنگ باشد. همان‌گونه که اتحادیه بین‌المجالس تصریح کرده است، سلب صلاحیت پارلمان از یک عضو مستلزم تصمیم‌گیری کل پارلمان است و باید تنها در پی محکومیت به جرائم کیفری اعمال شود نه در اثر از دست رفتن عضویت حزبی.

این اصل در جایی که یک عضو به‌صورت داوطلبانه یک حزب را ترک می‌کند یا در میان دوره، جایگاه حزبی خود را تغییر می‌دهد (که «کوچ‌نشینی سیاسی» نامیده می‌شود) بسیار مناقشه‌برانگیز می‌گردد. چنین اعمالی ممکن است کاملاً خود خواسته باشند، برای مثال در پی پیگیری‌های نهادهای دولتی و می‌توانند بی‌ثباتی قابل ملاحظه‌ای را در پارلمان به وجود آورند و همان‌گونه می‌توانند خواسته‌های روشن موکلین را نابود سازند. به همین دلایل تعدادی از پارلمان‌ها قوانین ضد «ارتداد سیاسی»^۱ را تصویب کرده‌اند تا عضوی که چنین رفتاری کرده است به واگذاری کرسی نمایندگی ملزم سازند. برای مثال اصلاحیه قانون اساسی هند که در سال ۱۹۸۵ به تصویب پارلمان هند رسید در بیان هدف این اقدام می‌گوید: «برای مبارزه با عمل زشت ارتداد سیاسی ... که به‌طور محتمل بسیاری از

۱. مقصود از ارتداد سیاسی تغییر عضویت شخص از حزبی به حزب دیگر است. (مترجم)



پایه‌های مردم‌سالاری ما و اصولی که از آن حمایت می‌کند را ویران می‌کند»، این اصلاحیه قانون اساسی نه تنها عضو یک حزب سیاسی را به دلیل ترک عضویت حزب، بلکه حتی اگر برخلاف دستورالعمل‌های حزب سیاسی خود و بدون اجازه قبلی رأی بدهند، سلب صلاحیت می‌کند. این قانون با اصلاحیه بعدی در سال ۲۰۰۳ برای جلوگیری از هرگون ادغام و امتزاج حزبی توسعه یافت.

روش دیگری نیز برای برخورد با پدیده «ارتداد سیاسی» توسط پارلمان سوئد اتخاذ شده است. این روش تأکید می‌کند که اگرچه اعضا از فهرست‌های حزبی انتخاب شده‌اند اما به‌طور شخصی به این سمت منصوب شده‌اند و وکالتنامه شخصی دارند:

«بنابراین، اگر یک نماینده از یک حزب اخراج شود یا در یک دوره انتخابی، حزبی را ترک کند آن فرد کماکان به‌عنوان یک عضو پارلمان باقی می‌ماند. به هر حال اعضایی که یک گروه حزبی را در طی دوره انتخابی، ترک می‌کنند نه می‌توانند یک حزب جدید تشکیل دهند که با همان عنوان توسط پارلمان شناخته شود و نه می‌توانند به‌طور رسمی به گروه حزبی دیگری بپیوندند.»

در رابطه با این مقررات متفاوت، خوب است که به راهبردهای سازمان کشورهای مشترک‌المنافع که تحت حمایت مجمع پارلمانی کشورهای مشترک‌المنافع در ژوئن سال ۱۹۹۸ مورد موافقت قرار گرفت، اشاره کنیم:

«امنیت اعضا در طول مدت نمایندگی برای استقلال پارلمانی اصلی بنیادین است و بنابراین: الف) اخراج اعضا از پارلمان به‌عنوان مجازات ترک کردن احزاب باید به‌منزله تعدی محتمل به استقلال اعضا نگریسته شود؛ اقدامات ضد ارتداد سیاسی^۱ ممکن است در برخی حوزه‌های مرتبط با فساد، ضروری باشد.

ب) قوانینی که اجازه عزل نمایندگان را در طول دوره نمایندگی می‌دهند، به دلیل تهدید بالقوه‌ای که برای استقلال اعضا محسوب می‌شوند، باید با احتیاط به آنها نگریسته شود.

ج) پایان عضویت یک حزب سیاسی نباید به‌خودی خود منجر به از دست دادن کرسی نمایندگی شود.»

منابع آنلاین برای مطالعه بیشتر در مورد حقوق اعضای پارلمان در ارتباط با حزبشان:

Norris, P (2004). Building political parties: reforming legal regulations and internal rules. International IDEA

<http://www.idea.int/parties/upload/pippa_norris_ready_for_wev_3_.pdf>

Scarrow, S (2005). Political Parties and Democracy in Theoretical and Practical Perspectives: Implementing Intra-Party Democracy. National Democratic Institute

<http://www.accessdemocracy.org/library/1951_polpart_scarrow_110105.pdf>

The Commonwealth (2002). Commonwealth (Latimer House) Principles on the three branches of government.

<http://www.cpahq.org/CommonwealthPrinciplesonThreeArmsOfGovernment_pdf_media_public.aspx>

منبع و مأخذ

- ترجمه بخشی از فصل اول کتاب:

Beetham, D. Parliament and Democracy in The Twenty-First Century, Inter-Parliamentary Union, 2006.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۴۳۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مجلس نمایندگان

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق عمومی)

ترجمه‌کنندگان: زینب عصمتی، داوود محبی

ناظر علمی: علی بهادری جهرمی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: علی بهادری جهرمی

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. پارلمان
۲. نماینده
۳. نظام انتخاباتی
۴. حزب
۵. دمکراسی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۴/۷